

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

امنیت شهرهای مرزی سواحل خلیج فارس

سیروس شفقی

استاد دانشگاه اصفهان

چکیده

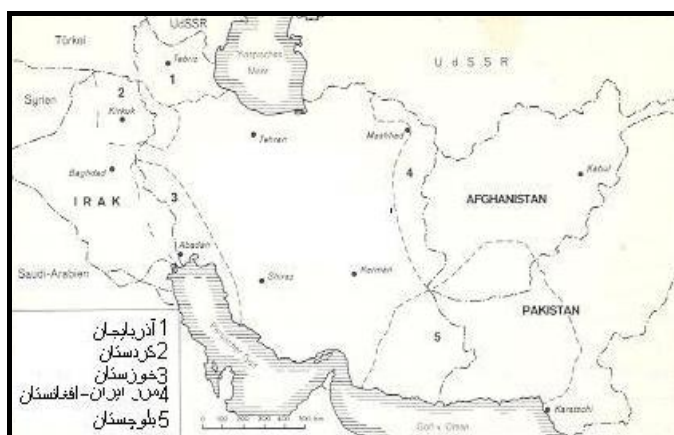
خلیج فارس، بحر فارس یا ردیای پارس که در منابع قدیمی یونان از آن با واژه *sinus persicus* یعنی خلیج فارس یاد شده که با تمدن کهن ایران همزاد است. خلیج فارس محور ارتباط بین سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا و به عنوان مهمترین مرکز ارتباطی میان سه قاره می باشد. تمدن های کهن چون بابل، سومر، ایران و یونان از موقعیت ممتاز جغرافیایی آن استفاده کرده‌اند و مسلمانان هم در سده‌های نخستین اسلامی از آن استفاده تبلیغاتی مذهبی کرده‌اند. اما پای اروپاییان از قرن ۱۵ به خلیج فارس و سواحل آن به خلیج فارس و سواحل آن باز و از آن تاریخ به فکر تصرف و تسلط بر آن افتادند و در دهه‌های اخیر نیز نفوذ ایالات متحده آمریکا در آن بسیار چشم گیر است.

اکنون ساکنین سواحل خلیج فارس به واسطه ایرانی بودن، دارای یکپارچگی اجتماعی هستند، اما چندگانگی و همگنی مذهبی در منطقه خلیج فارس بسیار مشهود است. منطقه با تمام تفاوت‌های قومی - قبیله‌ای دارای یکپارچگی اجتماعی بوده و جامعه یکدست ایرانی است. با وجود این گاهی مردمان این سامان احساس می کنند که آنها اول به این سواحل تعلق دارند و بعد به ایران و روابط آنها بیشتر با مردم کشورهای خلیج فارس به ویژه شیخ نشین ها و حتی با جنوب آسیا مانند هند و پاکستان بمراتب بیشتر از خود ایران است.

در این مطالعه کوتاه کوشش بر این است که علل آن حتی الامکان شناسایی شود. البته گاهی دوگانگی فرهنگی - مذهبی و زبانی هدف های اقتصادی، روابط تنگاتنگی را بین ایرانیان ساحل نشین و سرزمین های حوزه خلیج فارس موجب شده است. موقعیت جغرافیایی و استراتژیک سواحل خلیج فارس و تجاری بودن این حوزه نفت خیز با درآمدهای نسبتاً بالا، توجه سوداگران ایرانی و بین المللی را به خود جلب نموده است. زمانی استعمارگران پرتغالی و هلندی بعداً انگلیسی ها و اکنون آمریکایی ها سیاست های سلطه گرانه خود را بر خلیج فارس و سواحل آن گسترده اند و این امر حوزه خلیج فارس را به یک منطقه نا آرام استراتژیک تبدیل نموده است. همه این عوامل دست به دست هم داده و مرزهای جنوبی ایران را به یکی از پرتنش ترین و نا آرام ترین منطقه ژئوپولتیکی جهان تبدیل نموده است.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، امنیت، دریای عمان

امنیت کشورها معمولاً از مرزهای پیرامون آنها بیشتر تهدید می شوند و اصولاً با تعداد همسایگان آنها قابل بررسی است. پژوهشگران غربی در مطالعات ایران نقشه های مناطق مرزی ناآرام و ناامن کشور را تهیه نموده اند که در نقشه زیر نمونه ای از آن را مشاهده می کنیم (Ehlers.e. 1980, 505).



شکل شماره ۱: ایران، نقشه مناطق مرزی نا آرام و نا امن (Ehlers.e. 1980, 505)

مطالعه نقشه فوق بیان کننده این واقعیت است که ناآرامی‌ها در همسایگی‌های کشورهای بیشتر، لذا امنیت آنها نیز به تأکید بیشتری نیاز دارد. برخی از پژوهشگران اعتقاد دارند که همسایگی با دریاهای آزاد، بخاطر همسایگان کمتر، با مشکلات و تنش‌های کمتری روبرو هستند (عطارزاده و باقری ۱۳۸۴، ۱۱۱). سواحل جنوبی ایران که شامل سواحل خلیج فارس و بحر عمان است از دهانه فاو تا بندر عباس با ۱۳۷۵ کیلومتر طول دارای شهرهایی با تنش‌های بسیار متفاوت اما کمتر از مشکلات شهرهای مرزی ایران است، به این معنی که اختلاف اصلی بیشتر بر سر مالکیت جزایر متعلق به ایران و یا تعیین مرزهای دریایی و تداخلی منافع دولت‌های همجوار در دریا بخش مهمی از کشمکش‌های سیاسی و مشاجرات همسایگی را تشکیل می‌دهد و تأثیر خود را در ناآرامی‌های شهرهای مرزی برجای می‌گذارد و تصور بر این است که با کنار گذاشتن اختلافات مزبور امنیت سکونتگاه‌های ساحلی جنوبی ایران فراهم خواهد آمد، غافل از اینکه ناآرامی‌های شهرهای ساحلی خلیج فارس و بحر عمان بیشتر جنبه فرهنگی-اجتماعی دارد و همسایگان فرصت طلب نیز از این دوگانگی فرهنگی سوء استفاده کرده و به این اختلافات دامن می‌زنند. در این مقاله کوشش بر این است، به دوگانگی فرهنگی که بر شهرهای ساحلی خلیج فارس حاکم و موجب ناامنی شهرهای مرزی شده است حتی الامکان اشاره شود.

موقعیت جغرافیایی خلیج فارس

خلیج فارس دریای نیم بسته‌ای است که در جنوب غربی آسیا واقع شده است. طول ساحل آن از جنوب شرقی‌ترین نقطه ساحلی شرق گواتر، تا دهانه فاو واقع در جنوب غرب بیش از ۲۱۰۰ کیلومتر است عمق متوسط آن بین ۲۵ تا ۳۵ متر و عمیق‌ترین نقطه آن به عمیق‌ترین نقطه آن به ندرت از ۹۰ متر تجاوز می‌کند ولی در دهانه تنگه هرمز به بیش از ۱۰۰ متر می‌رسد. خلیج فارس حدود ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد. آبهای خلیج فارس از سایر دریاهای آزاد شورتر است. چون آب رودخانه‌های وارد به آن، نمک و املاح مختلفی دارد و میزان تبخیر آن نیز بیش از آب دریافتی از باران و رودخانه است. مقدار نمک آب خلیج فارس بین ۳۸ تا ۷۰ در هزار و در مناطق کم عمق تا ۲۰۰ در هزار اندازه گیری شده است. درجه حرارت آب آن در تابستان ۳۲ تا ۳۴ درجه سانتی‌گراد و سواحل شمالی در زمستان، ۱۵ و در تنگه هرمز ۲۱ درجه است.

خلیج فارس با ویژگیهای خود، یعنی عمق کم، شوری آب و ارتباط محدود با آبهای آزاد جهان، اکوسیستم خاصی را به وجود آورده است. آبریان خلیج فارس عمدتاً شامل پستانداران، پرندگان، ماهیان، بی مهرگان، جلبکها و انواع صدفها و مرجانها هستند (افشار سیستانی، ۱۳۸۱).

خلیج فارس از سمت شمال غرب و منطقه دلتایی رودخانه‌ها، در نتیجه رسوب گذاری، در هر سال حدود ۵۳ متر، در آب پیش می رود. یعنی در عصر هخامنشیان ساحل دریا حدود ۱۲۰ کیلومتر داخل خشکی بوده است. خلیج فارس از قدیم الایام به این نام معروف بوده است و در کتیبه داریوش که به هنگام حفر کانال سوئز یافت شد، آن را دریای پارس نوشته اند. مورخان و محققان یونانی، رومی، عرب و ایرانی چون هردوست، استرابون کورسیوس، اصطخری، مسعودی، بیرونی، ابن حوقل، مقدسی، مستوفی و ناصر خسرو در نوشته های خود از آن به نام خلیج فارس یا دریای پارس یاد کرده‌اند. یونانیها آن را سینوس پرسیکوس نوشته اند، یعنی خلیج فارس و تمدنهای کهن چون بابل، سومر، ایران، یونان و عرب از موقع ممتاز جغرافیایی آن استفاده کرده اند. مسلمانان نیز از موقعیت آن استفاده تبلیغاتی - مذهبی کرده‌اند.

خلیج فارس محور ارتباطی بین اروپا، آفریقا و آسیای جنوب غربی است و از نظر استراتژیک در خاورمیانه به عنوان مهمترین مرکز ارتباطی میان سه قاره است و دریاهای مدیترانه، سرخ، اقیانوس هند، کبیر و اطلس را به هم می - پیوندد، به همین جهت، این موقعیت از روزگاران پیشین مورد توجه قدرتهای جهانی بوده است. تجار و بازرگانان کالاها را از شرق و جنوب آسیا به خلیج فارس حمل می کردند و از آنجا به سواحل مدیترانه و اروپا و برعکس می - بردند. این موقعیت ممتاز باعث گردید که خلیج فارس همیشه کانون همگرایی بازرگانان و تجار باشد، چنانکه امروز نیز خلیج فارس کانون تهیه و پخش کالاها و نیازمندیها و نیز گردآوری و توزیع فرآورده های صادراتی ساکنان جنوب غرب آسیا برای همدیگر و نیز برای سایر نقاط است.

ذخایر عظیم نفت و گاز

خلیج فارس به عنوان مهمترین مخزن نفتی جهان، نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت اقتصاد جهانی و بویژه سرزمینهای صنعتی دارد. ذخایر نفتی خلیج فارس در سال ۱۹۹۸ حدود ۶۲۹۶۵۵ میلیون بشکه برآورد شده که حدود ۶۵/۵ درصد ذخایر کل جهان است. در سال ۱۹۸۷ ذخیره گاز آن نیز ۱۷ / ۳۱۰۱۰ میلیارد متر مکعب برآورد شده و عمر آن را صدها سال تخمین زده اند. ضمناً در سال ۱۹۸۷ حدود ۲۱ درصد تولید نفت جهان به منطقه خلیج فارس اختصاص داشته است.

بازار مصرف

در حوزه خلیج فارس بیش از یکصد میلیون نفر زندگی می کنند که مشمول درآمد نفتی اند، و به همین علت، بازار مصرف خوبی برای کشورهای صنعتی به شمار می روند. در نتیجه، بر سر تصرف این بازار یکصد میلیون نفری و جذب دلارهای نفتی آن، بین قدرتهای اقتصادی غرب همچون آمریکا، ژاپن، انگلیس، فرانسه و آلمان رقابتهای بزرگی وجود دارد. انگلستان از قرن ۱۸ نیز به اهمیت تجاری منطقه خلیج فارس بیش از دیگران توجه داشت و روزنامه های انگلستان مقارن سفر لرد کرزن به خلیج فارس در سال ۱۹۰۳ می نویسند: «خلیج فارس برای تجارت ما اهمیتی مخصوص دارد».

نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی

اعتقاد محققان بر این است که منطقه خلیج فارس کانون ظهور و پخش دین مبین اسلام بوده است و از این منطقه اندیشه اسلامی به غرب و شرق دنیای قدیم و حتی آمریکا گسترش یافته است. خلیج فارس در قلب جهان اسلام قرار دارد و حتی بعد از انقلاب اسلامی ایران در سیاستهای جهانی و استراتژیهای قدرتهای بزرگ از اهمیت بسیار زیادی برخوردار گردید و نگرانی‌هایی را برای ابرقدرتهای سلطه جو پدید آورد.

هیچ یک از دریاهای جهان به اندازه خلیج فارس توجه متفکران اقتصادی و سیاسی را به خود معطوف نداشته و دولتهای انگلستان و مخصوصاً شوروی، قبل از پیدایش نفت در این حوزه سعی بر دسترسی به آبهای آزاد اقیانوس هند از طریق خلیج فارس را داشتند. آمریکا نیز به عنوان قدرت نوظهور از سال ۱۹۷۱ میلادی به بعد جایگزین انگلستان در برخی از نقاط خلیج فارس شد و خلیج فارس را به عنوان بخشی از استراتژی امنیت ملی خود دانست و با حضور سیاسی، نظامی و اقتصادی خود پیوسته کنترل خود را بر منطقه تشدید کرد.

خلیج فارس امروزه برای تمام جهان اهمیت دارد، زیرا نیاز به نفت، بویژه در ممالک صنعتی جنبه عام پیدا کرده است. این ممالک، خلیج فارس را صحنه برخورد با یکدیگر دانسته، سعی دارند اهداف امنیتی خود را از طریق جذب کشورهای دوست در منطقه و به منظور ایجاد پایگاههای نظامی برای پیشدستی در عملیات نظامی عملی کنند. نفت و گاز و ذخایر زیرزمینی و دریایی، نقش بازار مصرف و اهمیت فرهنگی و ایدئولوژیکی و بالاخره مرکزیت حمل و نقل منطقه‌ای خلیج فارس باعث رقابت شدید بین ابر قدرتها گردیده است و سیاست همه آنها بر هم زدن نظم منطقه مخصوصاً برای سرزمین‌هایی که استقلال سیاسی و اقتصادی را دنبال می‌کنند، بوده است. یکی از این کشورها ایران است که گاهی با تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربی - فارسی تنشهایی را در این حوزه به وجود آورده‌اند (لردکرزن در خلیج فارس، نشر اسناد وزارت امور خارجه، چاپ اول ۱۳۷۰).

حضور استعمارگران غربی در خلیج فارس

اروپائیان از اواخر قرن ۱۵ میلادی به فکر نفوذ و تسلط بر آبهای خلیج فارس افتادند. کراچکوفسکی در کتاب «تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام»، بارها به اسم خلیج فارس (دریای پارس) اشاره می‌کند و در این مورد چنین می‌نویسد: «واسکودوگاما نیز به سال ۱۴۹۹ میلادی کشتی‌های مسلمانان را در شمال موزامبیک دیده بود که قطب نما (بیت‌الابره) و نقشه های دریایی داشتند و در این باب می‌گوید: دریانوردان برای راهنمایی کشتی‌ها، قطب نما، ابزارهای رصدیایی و نقشه‌های دریایی داشتند. به جز گزارش‌های واسکودوگاما، بعداً هموطن معروف وی البوکرک حاکی است که در اواخر قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶ هر دو با دریانوردان مسلمان روبرو بوده و از راهنمائیها و نقشه‌های آنها بهره‌ها برده و با راه‌های دریای سرخ، دریای فارس، جزایر ملوک و راه‌های دریای چین و هرمز آشنایی پیدا کرده‌اند. این حرکت اکتشافات دریایی موقعی صورت گرفت که ترکان عثمانی در سال ۸۵۷ ق، ۱۴۵۳ م قسطنطنیه را فتح و به فتوحات دیگری در غرب دست یافتند بدین وسیله نامنی‌هایی در راه‌های تجاری پدید آمد.

اروپاییان به سال ۹۶۱ ق/ ۱۵۱۵ م یعنی زمانی که توجه کانونهای سیاسی ایران به بخش‌های شمالی کشور معطوف بود، پرتغالیها جزیره هرمز را تصرف کردند. از آن پس رقابت‌های استعماری میان پرتغالی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها و فرانسوی‌ها و به مرور روسها و آلمانی‌ها و بلژیک‌ها و همچنین سوئدی‌ها، نروژی‌ها و ترک‌های عثمانی، منطقه خلیج فارس را چند قرن پایگاه زد و خوردها و معاهداتی کرد که در همه ماجراها، مرجع تصمیم‌گیری قدرت سیاسی و نظامی استعمار بود.

در سراسر سرزمین‌های اسلامی به ویژه آسیای جنوب غربی از حلب تا بصره و از بصره تا بندرعباس و هرمز و از آنجا تا هلند، همه جا رقابت وجود داشت، اما تنها قدرت نامشروعی که از بطن بورژوازی مسلط اروپائی سربر آورد، انگلستان بود که توانست همهٔ رقیبان را کنار زده و خود حاکم مطلق‌العنان خلیج فارس شود. حضور این دولت استعماری در همه جای جهان به ویژه در سرزمین‌های مسلمان شیعی فرجامی بس نامبارک داشت (تکمیل همایون ناصر، ۱۳۸۳، ۴۴).

حضور قبایل عرب در سواحل خلیج فارس

بعد از سقوط دولت صفوی و کاهش نفوذ ایران در سواحل جنوبی خلیج فارس و بحر عمان راه برای افزایش نفوذ قبایل عرب هموار گردید. قبیلهٔ قاسمی یا جاسمی‌ها با حضور در بندر لنگه، ادارهٔ این بندر و جزایر نزدیک به آن از جمله جزایر تنب، ابوموسی و سیری را در اختیار گرفتند. این حرکت سیاسی با طراحی و پشتیبانی بریتانیا انجام پذیرفت. سلطه بریتانیا بر هند و حفظ تمامیت ارضی آن به دلایل امنیتی و تجاری اهمیت خلیج فارس، باعث تغییرات بزرگی از نظر سیاسی در منطقه گردید. بطوریکه به امضای قراردادهای تحت الحمایگی بین شیوخ قبایل عرب در سواحل خلیج فارس و بریتانیا گردید، در این اثنا ایران برای تضمین استقلال ارضی خود از طرفی و جلوگیری از نفوذ روسیه و همچنین تلاش آلمان‌ها برای نفوذ در خلیج فارس منطقه را بصورت میدان زورآزمایی در آورده بودند ولی در این کشمکش‌های سیاسی، انگلستان به هر تدبیر و نیرنگی خواستار نفوذ انحصاری خود در خلیج فارس بود بطوریکه در این تغییرات سیاسی مهمترین پیامد، واگذاری جزایر ایران تنب بزرگ و کوچک، ابوموسی و سیری به قاسمی‌های شارجه بود، این حرکت سیاسی برای جبران شکست انگلستان در مقابل نفوذ روسیه در ایران عصر قاجاری بود.

حال این سوال پیش می‌آید که آیا قاسمی‌ها چه کسانی بودند و علت انتخاب این قوم برای اعمال قدرت و نفوذ انگلستان در خلیج فارس چه بوده است؟

بندر لنگه و قاسمی‌ها (جاسمی‌ها)

در شمالی‌ترین قسمت کرانه‌های عمان منطقهٔ مسندم (Musandum) قرار دارد و قومی به نام قاسمی‌ها در آن زندگی می‌کردند آنها با سقوط سلسلهٔ صفویه، کشمکش‌های سیاسی که آشفتگی بندرعباس و هرمز در دههٔ ۱۳۰۰ق/ ۱۷۲۰م بوجود آمده بود بهره برده و برای خود در باسعید واقع در جزیرهٔ قشم بندری ایجاد کردند. با روی کار آمدن نادرشاه مدتی از فعالیت آنها کاسته شد. اما با به قدرت رسیدن کریمخان زند (۱۱۶۳-۱۱۹۳ق/ ۱۷۵۰-۱۷۷۹م) و قاجارها، آنها در صدد گسترش نفوذ خود در سواحل جنوب ایران برآمدند. کریمخان با سیاست تساهل و مدارای با اعراب سواحل خلیج فارس، با هدف توسعهٔ نفوذ سیاسی خود باعث گردید یکی از روسای قبیله قواسم موفق به اخذ فرمان کلانتری بندر لنگه بر مبنای سنت استیجاری برای خود و اعقابش تحصیل نماید و این منصب تا اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در اختیار روسای این قبیله باقی ماند. در آن زمان بندر لنگه مرکز ولایتی بود که بندرهای کنگ، لافت، چارک و جزیرهٔ قشم، کیش، تنب بزرگ و کوچک، ابوموسی و سیری را در بر می‌گرفت، لذا بدیهی است که شهرها و بنادر نامبرده تحت قلمرو حکومت قاسمی‌ها به مرکزیت بندر لنگه اداره شود و آنها در حقیقت کارگزاران دولت ایران بودند. بطوریکه به دولت مرکزی مالیات می‌پرداختند و نام پادشاه قاجار در خطبه و سکه اعمال می‌شده است (مسعودنیا، ۱۳۸، ۳۳۳).

سیاحان و نویسندگانی که از بندر لنگه در دوره قاجاریه دیدن کرده‌اند مطالبی را ارائه می‌دهند. مثلاً لردکرزن در کتاب قضیه ایران می‌نویسد: «جمعیت لنگه، شامل ایرانی، عرب و نیمی هم آفریقایی هستند و تعدادی نیز از افراد دوره مختلط، که در تمام کرانه‌های واقع در شرق پرت سعید دیده می‌شوند. اعراب آنجا را قواسم یا جواسم می‌نامند که گروهی دیگر در آن سوی خلیج فارس در راس الخیمه سکونت دارند و حکومت لنگه تا چند سال با شیخ قبیلۀ مزبور بود. وی در شهر اقامت داشت و از جانب دولت ایران نایب الحکومه بود. بدین ترتیب قاسمی‌های مستقر در بندر لنگه از سال ۱۱۹۴ تا ۱۳۰۴ ق/ ۱۷۸۰ تا ۱۸۸۷م به عنوان ماموران دولت ایران اداره تنب بزرگ و کوچک، ابوموسی، سیری را در اختیار داشتند تا این که در اواخر قرن ۱۹ دولت قاجار، تصمیم به تجدید نظر در تقسیمات کشوری ایران که به جا مانده از دوران صفویه بود، گرفت. براساس این طرح جدید، سراسر ایران به ۲۷ ایالت تقسیم شد و هر ایالت از چند ولایت تشکیل می‌شد، در این طرح ایالت ۲۶ دربرگیرنده کرانه‌ها و جزایر خلیج فارس بود و ایالت بندر خلیج فارس نام گرفت و با اعلان تقسیمات جدید، امین السلطان به عنوان والی ایالت جدید بندر خلیج فارس معرفی و نامبرده نیز تصمیم به پایان حکومت قاسمی‌های بندر لنگه گرفت ۱۲۹۷ق/ ۱۸۸۰م و جزیره سیری نیز از همان سال به اشتغال نیروی نظامی ایران درآمد اما ماموران انگلیس مستقر در هند از سال ۱۳۱۹ق/ ۱۹۰۲م ادعا کردند که قاسمی‌های مستقر در بندر لنگه نه به عنوان ماموران دولت ایران، بلکه به عنوان نماینده طوایف قاسمی بخش عرب نشین خلیج فارس بوده‌اند (فوریه، ۱۳۶۸).

اختلافات زیادی بین ایران و انگلیس و پافشاری شدید انگلستان در پشتیبانی از نفوذ و قدرت قاسمی‌ها در جزایر و سواحل خلیج فارس همچنان ادامه داشت که عامل این انگیزه را باید در رقابت‌های سیاسی روس و انگلیس در ایران جستجو کرد که روسیه در سیاست داخلی ایران رقیب خود را با شکست روبرو کرده بود و انگلیسی‌ها با پشتیبانی اعراب قاسمی به فکر جبران عقب ماندگی‌های خود بودند تا اعمال نفوذ بیشتری در حوزه خلیج فارس نماید. به طوریکه روسیه با قرار داد گلستان و ترکمن‌چای قسمتی از سرزمین ایران را اشغال کرد، انگلستان نیز در مقابل به جدایی منطقه هرات و بلوچستان، بیشتر با هدف حفظ هندوستان مبادرت کرد. گفتنی است که بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ش/ ۱۹۵۳م دولت انگلستان پیوسته در تلاش برای جدایی موقت جزایر ایرانی خلیج فارس بوده است.

نفوذ انگلستان به بهانه مبارزه با برده فروشی

انگلستان با استفاده از برتری نیروی دریایی خود همیشه در اجرای مقاصد استعماری خویش در سطح جهانی بهره می‌برد، یکی از مناطق مهم تجارت برده، خلیج فارس بود و انگلستان از زمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۰- ۱۲۵۰ق/ ۱۸۳۴- ۱۸۴۴م) به بهانه مبارزه با برده فروشی به انعقاد قراردادهایی با ایران به بازرسی کشتی‌های مظنون به حمل برده از خلیج فارس اقدام می‌کرد. انگلستان تنها به این کار رضایت نداد بلکه در سال ۱۸۸۸م امتیاز کشتیرانی در رودخانه کارون از طریق برادران «لینچ Lynch» را نیز کسب نمود و یک سال بعد به کسب احداث راه شوسه از اهواز به تهران از طریق بانک شاهنشاهی گردید و بدین وسیله نفوذ سیاسی و اقتصادی در خلیج فارس و سواحل جنوبی ایران به اوج خود رسید.

بندر خرمشهر و شورش شیخ خزعل

ایران عصر قاجاریه میدان زورآزمایی دو ابرقدرت نزدیک به ایران، یعنی انگلستان در جنوب و روسیه در شمال گردید. ضعف نظامی و ناتوانی‌های سیاسی حکومت مرکزی ایران، انگلیسی‌ها را برآن داشت تا سیاست حمایت از شیوخ

جنوب ایران را پیش گیرند. تا به کمک آنها بتوانند منافع خود را در جنوب ایران و به ویژه حوزه خلیج فارس حفظ نمایند. در چنین موقعی بندر خرمشهر (محمّره) برای آنها از نظر کشتیرانی از اهمیت خاصی برخوردار بود. ضمناً پست و تلگراف انگلستان- هندوستان نیز در این منطقه دایر بود. کمپانی برادران لینچ که یک کمپانی انگلیسی بود کشتیرانی کارون را از سال ۱۲۶۷ ش / ۱۸۸۸م اداره می‌کرد. در چنین وضعی شیخ جابر، حاکم خرمشهر (۱۲۰۸-۱۲۶۰ش) و پدر شیخ خزعل در طول حاکمیت خویش بر خرمشهر و قبیله بنی کعب سعی کرد روابط دوستانه‌ای با انگلیسی‌ها برقرار کند و بدین وسیله انگلیسی‌ها شیخ خزعل را زیر سلطه خود درآوردند، او سعی می‌کرد خود را تحت حمایت انگلیس قرار دهد و شیخ نشین مستقلی برای خود و اعقابش تشکیل دهد اما انگلیسی‌ها به او هیچ گونه تضمینی ندادند، با وجود این شیخ خزعل امنیت کامل را در کارون برای تجارت انگلیسی‌ها مهیا کرد. وزارت امور خارجه انگلستان نیز به هر نحوی تعهداتی در حمایت از خزعل را پذیرفت و از طرف دیگر از حکومت مرکزی ایران نیز پشتیبانی می‌کردند. با استقرار مشروطیت در ایران، خزعل احساس نگرانی‌هایی از طرف حکومت مرکزی ایران می‌کرد لذا در سال ۱۲۸۸ش بار دیگر حمایت انگلستان را برای بقای سلطه خویش در منطقه خرمشهر خواستار شد و دولت انگلستان نیز در سال ۱۲۸۹ از شیخ خزعل پشتیبانی و تعهدات گذشته را تأیید و تمدید نمود، اما هرگز از تعهدات وفاداری خزعل در مقابل دولت مرکزی ایران کوتاهی نکرد. با آغاز جنگ اول جهانی در سال ۱۲۶۳ ش / ۱۹۱۴م نیاز انگلیس به شیخ خزعل بالا گرفت و حتی او را نامزد پادشاهی کشور عراق کردند اما به زودی از این تصمیم صرف نظر می‌کنند. شیخ خزعل پس از پایان جنگ اول به این نتیجه رسیده بود که انگلیس‌ها به وی بی‌اعتنایی می‌کنند، در همین زمان است که شاهد کودتای رضاخان در ایران هستیم و در حقیقت انگلیسی‌ها او را که نماینده نوعی حکومت مرکزی قوی در ایران بود، روی کار آورده بودند. سیاستمداران انگلیسی در این دوره با سردرگمی روبرو شده بودند مثلاً لرد کرزن وزیر خارجه حمایت از خزعل را در مقابل حکومت مرکزی ایران حرکتی صحیح می‌پنداشت و به رضاخان اعتماد نداشت ولی لورن وزیر مختار انگلیس در ایران معتقد به تقویت حکومت مرکزی ایران بود. ضمناً ایران هیچ گونه استقلال داخلی روسای طوایف را تحمل نمی‌کرد، از طرفی ایران در چنین وضعی دارای ارتشی منظم بود و آرامش داخلی در ایران مورد توجه دولت انگلیس بوده و به یک پارچگی ایران را در مقابل روسیه احترام می‌گذاشت. با آغاز شورش خزعل و عدم پشتیبانی از طرف بریتانیا موقعیت خود انگلستان را در میان شیوخ منطقه خلیج فارس از دست می‌داد از طرف دیگر آنها نگرانی‌هایی نیز از حفظ تاسیسات نفتی خوزستان داشتند، چرا که خزعل از تأسیسات مزبور حفاظت خوبی کرده بود. ضمناً پشتیبانی از رضاخان را در مقابل نفوذ شوروی خیلی جدی می‌پنداشتند. شورش شیخ خزعل در سال ۱۳۰۳ش / ۱۹۲۴م به اوج خود می‌رسد و انگلستان ظاهراً به حمایت از او با یک کشتی هندی تعدادی توپ و اسلحه به خزعل می‌رساند، اما در باطن از خزعل دل بریده و خواهان یک حکومت مرکزی قوی و مطیع بودند تا جلو بلشویک‌ها را بگیرند و هم از نفت ایران بهره مند شوند (حسینی، ۱۳۸۴، ۲۴۷). شورش شیخ خزعل علیه حکومت مرکزی، با سفر رضاخان در آبان ماه سال ۱۳۰۳ ش به خوزستان ناکام ماند. حتی در فروردین سال بعد شیخ خزعل به دستور رضاخان دستگیر و به تهران تبعید گردید. با رفتن خزعل از خوزستان هنوز هم تعدادی از قبایل عرب ساکن آن سامان اندیشه خودمختاری را در ذهن خود می‌پروراندند. تردیدی نیست که نفوذ غرب در این تحرکات سیاسی نقش راهبری را دارد. در این میان از هر عاملی از جمله مذهبی (شیعه و سنی)، نژادی (عرب و عجم)، زبانی (عربی و فارسی) بهره برداری می‌شود و هرگز شرایطی پدید نیامد و یا نخواهند پدید بیاید تا تحت لوای اسلام همه با یکدیگر برادر و برابر باشند.

در یک جمع بندی به این نتیجه می‌رسیم که انگلستان تا زمانی که منافعشان ایجاب می‌کرد به حمایت شیخ خزعل در حوزه خلیج فارس پرداخته است ولی در همان زمان که قسمت شمال ایران با نفوذ شدید کمونیست‌های تندرو روبرو بود، حمایت از یک حکومت مرکزی قوی به دست رضاخان بهترین گزینه بود.

یکپارچگی اجتماعی و چندگانگی فرهنگی در منطقه خلیج فارس

با پیدایش حوزه‌های نفتی در خلیج فارس تغییرات و تحولات عظیمی در این منطقه پیش آمد و همین امر توجه مدیران مملکتی را به خود جلب کرد. منطقه با تمام تفاوت‌های قومی- قبیله‌ای و فرهنگی دارای یکپارچگی اجتماعی و جامعه یکدست ایرانی است. با وجود این، گاهی مردمان این سامان احساس می‌کنند که آنها اول به این منطقه تعلق دارند و بعد به ایران و تماس آنها بیشتر با مردم کشورهای خلیج فارس و با جنوب آسیا مانند پاکستان، بنگلادش و افغانستان است. علت چیست؟

نگارنده معتقد است که مردم این ناحیه با توجه به ارزش و اهمیت فرهنگی و تاریخی، مورد کم توجهی قرار گرفته‌اند و علت آن را باید در ناآگاهی ساکنان از طرفی و چندگانگی فرهنگی از طرف دیگر جستجو کرد که سؤالات زیر چنین مطرح می‌گردد:

- ۱- آگاهی و دانستنی‌های تاریخی مردم منطقه چقدر است؟
 - ۲- آیا از زندگی گذشته و حال خود آگاهی دارند یا خیر؟
 - ۳- تجزیه و تحلیل پیشامدهای تاریخی و سیاسی از طرف ساکنان منطقه چگونه است؟
- باید گفت که اطلاعات مردم این سامان در این موارد بسیار ناقص است و همین بی‌اطلاعی نیز باعث بهره‌برداری‌های سیاسی- استعماری ممالک غربی شده است. مردم این منطقه از روزگاران پیشین تاجر پیشه بوده و هنوز هم این کار را ادامه می‌دهند، ولی وضع بازرگانی و کاری در سرزمین‌های عربی، بویژه شیخ نشینها در مقایسه با ایران بسیار رضایت بخش است و همین امر، باعث مبادلات تجاری و کاری و حتی ازدواجها شده است. این پیشامد به یک تغییر و تحول فرهنگی منجر شده و از این روست که نمی‌توان در این منطقه از یک فرهنگ خالص ایرانی سخن گفت؛ یعنی منطقه دارای گوناگونی فرهنگی است که از فرهنگ خودی و بیگانه منشأ گرفته است. این موضوع نکته بسیار حساسی را مطرح می‌کند. البته، در این نوع مطالعات نمی‌توان تمام بررسیها را متکی به منابع مکتوب دانست، به همین علت ما کوششی را که در مطالعات میدانی و در سواحل خلیج فارس ممکن بود، انجام دادیم.
- مهاجران ایرانی که به سوی ممالک عربی حوزه خلیج فارس برای کار و داد و ستد روی می‌آورند، خود به سه گروه مشخص و معین تقسیم می‌شوند:

- ۱- مهاجران ایرانی که به صورت کارگر ساده و به طور موقت و بدون اعضای خانواده به منطقه روی می‌آورند؛
- ۲- ایرانیان مهاجر که با اعضای خانواده خویش در این کشورها اقامت داشته و مشغول کارند و با ایران رابطه کمتری دارند؛
- ۳- بازرگانانی که در این کشورها مشغول داد و ستد بوده، پیوسته در حال سفر هستند و رابطه دایمی با ایران دارند.

تمام این جماعات به منظور پیدا کردن کار و ارتقاء معیشت خویش به این نوع مهاجرتها دست می‌زنند. مهمترین این سرزمینها شیخ نشینهای خلیج فارس چون دبی، ابوظبی، کویت، قطر، شارجه و غیره هستند. زندگی در این شیخ نشینها برای ایرانیان شاغل در آنها، خارج از کشور تلقی می‌شود. جذابیت زندگی در این سرزمینها، امنیت شغلی و

بایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و برهمنیت‌ها

۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۹۱ - دانشگاه سیستان و بلوچستان

National Congress on Border Cities and Security; Challenges and Strategies – CBCS 2012

بالا بودن درآمد، برای آنها رفاه و امنیت اقتصادی را به ارمغان می‌آورد و زندگی بسیار راحتی را برای آنها فراهم می‌کند. آنها پیشرفت‌های اقتصادی این مناطق را پدیده بسیار جدیدی می‌دانند و حسرت دوران گذشته ایران را می‌خورند که روزگاری اعراب برای کار و پیدا کردن یک لقمه نان به ایران می‌آمدند و اکنون عکس آن اتفاق افتاده است. تغییرات اجتماعی-سیاسی بزرگی در ممالک و شیخ نشینهای خلیج فارس روی داده که طراح آن انگلستان بوده است. با اینکه ساکنان عرب تبار خلیج فارس نسبت به ایرانیان بسیار اندک بودند، ولی انگلستان با تشویق و ترغیب شیوخ و به مرور، با قدرت نماییهای اقتصادی و سیاسی، گاهی با توسل به نیروی نظامی، در دگرگونی سیمای دموگرافیک و اجتماعی منطقه موفق شد. اعراب منطقه نیز به پشتیبانی انگلستان برای حفظ منافع خویش تقویت شدند و هویت نسبی پیدا کردند. انگلستان به منظور اعمال قدرت در سواحل خلیج فارس، شیخ نشینها را به واحدهای کوچکتری تقسیم نمود تا راحت تر قابل کنترل باشند و در نتیجه، بین آنها نیز رقابتی ایجاد گردید. البته، موفق ترین شیوخ معمولاً مطیع ترین آنها هستند.

روابط ایرانیان ساحل نشین خلیج فارس و حتی مناطق دورتر از ساحل تا ایران مرکزی، با ممالک عربی حوزه خلیج فارس بسیار بالاست و کمتر خانواده ایرانی را سراغ داریم که خویشاوند و یا دوستی، را در آن طرف خلیج فارس نداشته باشد. آنها خانواده‌های خود را از نظر مالی پشتیبانی می‌کنند، ولی علی رغم این توجه و تحسین و رضایت، ایرانیان مقیم ممالک عربی حاشیه خلیج فارس، فرهنگ اعراب را در سطح بالایی ارزیابی نمی‌کنند. ولی از نظر اقتصادی درآمد مهاجرین ایرانی در کشورهای حوزه خلیج فارس در سازندگی شهرهای ساحلی ایران که متجاوز از ۲۵ شهر هستند (ر.ک. به شکل شماره ۲) نقش مؤثری داشته است.



شکل شماره ۲: شهرهای ساحلی خلیج فارس و دریای عمان ایران

جالب است بدانیم که ایرانیان غیر عرب که ساحل نشین هستند، از طرف عامه مردم، عرب اطلاق می‌شوند و همین ایرانیان که می‌توانند عربی حرف بزنند، مردم کشورهای حاشیه خلیج فارس آنها را عجم می‌شناسند یعنی این گروه نه در ایران، «ایرانی» و نه در ممالک حوزه خلیج فارس «عرب» نامیده می‌شوند. چرا باید این جمعیت ساحلی را که

هم به زبان فارسی و هم به زبان عربی تکلم می‌کنند ایرانی ندانیم، گفتنی است که تعداد اندکی از روستاییان که عربی تکلم می‌کنند به هیچ عنوان راضی نیستند که آنها را عرب بنامیم. در ممالک عربی خلیج فارس ساحل نشینان خلیج فارس را «فارس» می‌گویند. از نظر ظاهری تنها نقاب صورت زنان هر دو ساحل وجه مشترک آنهاست، اما وجه مشترک مهم دیگر کدام است؟ تنها عامل مشترک مهم با کشورهای عربی خلیج فارس همان مذهب است. باید گفت که اکثر قریب به اتفاق مردم، مذهب تسنن دارند و ممالک استعمارگر، عوامل حاصل اصلی این تحریکات و تنشها در مناطق سنی نشین عربی زبان هستند. داستان «اختلاف بینداز و حکومت کن!» در حوزه خلیج فارس ناآرامی‌ها با اختلافات مذهبی، یعنی شیعه و سنی و قومی یعنی ایرانی و عرب و همچنین فارسی زبان و عرب زبان آغاز گردید. ساکنان این حوزه وسیع که بیش از ۹۷٪ مسلمان هستند، یا مذاهب و فرقه‌های مختلف و اعتقادات و باورهای متفاوت که در گذشته هرگز تفکر و تعمق و منطق فقهی بر آنها حاکم نبوده و به همین جهت، فرهنگ اسلامی منطقه بسیار ضعیف و دانش دینی ساکنان آن ناچیز بوده و اغلب گرایش مالکی و حنبلی داشته‌اند. مساجد و اماکن مذهبی آنان تا سالها پیش، به صورت بسیار ابتدایی و حتی خالی از هر گونه ذوق، هنر و معماری باقی مانده بود تا اینکه در سال ۱۹۷۷ در حدود ۴۵۰ مسجد جدید احداث گردید و این رقم در سال ۱۹۸۱ به ۱۰۰۰ باب رسید که می‌تواند سیصد هزار نمازگزار را در خود جای دهد. به نظر می‌رسد که این تغییر و تحول و اسلامیت ساکنان عرب تبار خلیج فارس در پیوند با غرب قوت گرفته است و آن هدفی بود که غرب آن را دنبال می‌کرد و مسأله عرب و عجم و شیعه و سنی را پررنگ تر می‌نمود تا از تفاهم و مودت بین ایرانیان و اعراب جلوگیری کند و ایران را محل هویت تاریخی اجتماعی آنان نشان دهد، ایرانیان خیلی دیرتر از معمول به اهمیت موضوع پی بردند (میرجعفری، ۱۳۸۴) و این امر آثار منفی خود را بر روی افکار و اندیشه‌های ساکنان ساحل نشین ایران که اغلب پیرو مذهب تسنن بودند و به زبان عربی تکلم می‌کردند، بر جای گذاشت.

نیت محققان کشور این است که اقوام مختلف این کشور را که دارای فرهنگ متفاوتی هستند، بهم نزدیک و متحد و یکپارچه گردانند، یعنی آنها را به سوی یک فرهنگ واحد هدایت نمایند. در این صورت، آموزش و پرورش و تحصیلات عالی نقش بسیار مهمی را به عهده خواهند داشت. اما متأسفانه تاکنون توجه زیادی در این زمینه صورت نگرفته و حتی ریش سفیدان و معمرین ساحل نشینان خلیج فارس نیز با وطن خویش یعنی ایران آشنایی کامل ندارند و اگر قصد مسافرت تفریحی - تفرجی داشته باشند؛ هرگز قصد مسافرت به داخل ایران و دیدار از شهرهای زیبای کشورمان را ندارند. بلکه سیر و سفر در شیخ نشینها را به آن ترجیح می‌دهند؛ چه آنها ساحل نشینان عرب را هم مسلک و هم مذهب و همزبان خود می‌دانند. شایان ذکر است که قرن‌ها است که ایرانیان پیرو مذهب تشیع و تسنن در کنار همدیگر زندگی کرده و می‌کنند، ساکنان حواشی خلیج فارس در ایران به وطن خود عشق می‌ورزند و آن را منبع زندگی خویش می‌دانند، ولی به پیشرفتهای اقتصادی شیخ نشینها به چشم حسرت می‌نگرند و آرزو دارند که از نظر اقتصادی با اعراب خلیج فارس برابری نمایند. نتیجه چندانگانی فرهنگی باعث گردیده است که در نیم قرن گذشته، غربیها با هدف ایجاد اختلاف بین ایرانیان و همسایگان ساحل نشین خلیج فارس، نام آن را تغییر دهند و به آتش این اختلاف دامن بزنند.

در خاتمه، به این نکته اشاره کنم که سرزمین ایران از ۵۸ زبان و اقوام مختلف تشکیل شده است که قرن‌هاست در کنار هم زندگی مسالمت آمیز داشته‌اند و اکنون نیز خواهان آن هستند و اکثریت همیشه احترام اقلیت را داشته‌اند و در دین مبین اسلام حقوق اقلیت‌ها همیشه حفظ شده و حتی معابد سایر ادیان گاهی در جوار مساجد بنا شده که

نشان دهنده فرهنگ و تمدن ایرانیان است و اگر قرار شود که هر قومی در گوشه ای از ایران بزرگ برای خود سازی بزند، تحت تأثیر بیگانگان قرار گیرند. دیگر چیزی از این کشور باقی نخواهد ماند.

فهرست منابع و مأخذ:

- افشار سیستانی، ایرج ۱۳۸۱: نام خلیج فارسی بر پایه اسناد تاریخی و نقشه های جغرافیایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران: ۱۳۸۱.
- اقتداری، احمد، ۱۳۸۳: اصالت نام خلیج فارس به گواهی اسناد و مدارک ادبی، تاریخی و جغرافیایی، پژوهشنامه خلیج فارس، ضمیمه کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا، شماره ۸۶ و ۸۷.
- بهزادی، ناهید، ۱۳۸۳: «منافع بریتانیا در خلیج فارس، مروری بر مناسبات بریتانیا و حکومت زندیه»، پژوهشنامه خلیج فارس، ضمیمه کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا، شماره ۸۸ و ۸۹.
- تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۸۲: خلیج فارس (از ایران چه می دانم)، چاپ چهارم، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۷۱: خلیج، نقش استراتژیک تنگه هرمز، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران.
- لرد کرزن در خلیج فارس ۱۳۷۰، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بر پایه اسناد وزارت امور خارجه، واحد نشر اسناد، چاپ اول، تهران.
- سحاب، عباس ۱۳۶۹: «خلیج فارس در نقشه های کهن» مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران
- فوریه، ۱۳۶۸: سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، دنیای کتاب.
- لرد کرزن، ۱۳۳۵، قضیه ایران، ترجمه و اقتباس علی جواهر کلام بخش اول و دوم، تهران.
- کراچکوفسکی ایگنانی یولیانوویچ ۱۳۷۹: تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول
- میرجعفری، حسین، ۱۳۸۴: «طلوع و غروب پرتغالیها در روزگار صفویان»، چکیده مقالات همایش بین المللی خلیج فارس در گستره تاریخ، اصفهان
- نجم آبادی، شهناز، ۱۳۷۲: «یکپارچگی اجتماعی و چندگانگی در خلیج فارس»، ترجمه سید امیر مرتضوی، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران
- عطارزاده مجتبی و باقری علی، ۱۳۸۴: اختلافات مرزی در خلیج فارس، مجموعه مقالات همایش بین المللی خلیج فارس در گستره تاریخ، جلد سوم، انتشارات دانشگاه اصفهان
- مسعودنیا، حسین، ۱۳۸۴: نقش سیاست ها استعمار بریتانیا در تکوین مساله جزایر سه گانه، مجموعه مقالات همایش بین المللی خلیج فارس در گستره تاریخ جلد اول، انتشارات دانشگاه اصفهان
- Ehlers, Eckart, (1980): Iran grundzuge einer geographischen landeskunde, wissenschaftliche buchgesellschaft Darmstadt.



SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله